



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ إِلَيْهِ خَيْرٌ نَاصِرٌ وَمَعِينٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدًا
قال العلي الحكيم وصي النبي الكريم: من اقتبس علما من علوم النجوم من حملة القرآن إزداد به إيمانا ويقينا

هفته نامه

راه آسمان

آموزش و تبیین مباحث تقویم و نجوم و تحجیم اسلامی

تهیه و تدوین: پژوهشگر علوم نجوم و تقویم و تحجیم بنیاد حیات اعلی

هفته نامه راه آسمان شماره: یازدهم
۱۵ ذی قعدة ۱۴۲۷ = ۱۵ آذر ۱۳۸۵ = ۶ دسامبر ۲۰۰۶

اهمیت علم نجوم یا نجوم احکامی

ویسان علمی بودن دانش بلیا و منایا و واقعی بودن خبر از وقایع آینده

سؤال: از حضور شما تقاضا داشتیم که برایم مطالبی را روشن نمائید:

۱- این موضوع برج ها و منازل که در باره حرکت ماه و خورشید مطرح است، و اینکه ماه و خورشید یا برخی ستارگان در آنها حرکت یا سیر دارند؛ چیست؟

۲- با اینکه با توسعه علم و تحقیقات علمی مسیر حرکت این اجرام مشخص است؛ و از طرفی خواص و نتایجی برای این حرکات در اعتقاد مردم و نیز منابع دینی مطرح شده است، می خواستم بینم اینها چگونه است؟ یعنی چقدر صحیح و مستند است؟

۳- آیا توصیه ها و تعالیمی که در شرع وارد شده؛ و راجع به ملاحظه این موضوع در کارها و برنامه ها سفارش نموده است منحصر به قمر در عقرب است؟ اصولا انسان چقدر باید این امور را در کارهایش ملاحظه کند؟

ناتوانی دانش جدید علم غم پیشرفت ابزار و تکنولوژی

جواب:

(۱) - علم و تحقیقات علمی بشر بر پایه دانش و دستاوردهای گذشتگان که میراث وحی و خازنان وحی (علیهم السلام) بوده؛ استوار است، هر چند در قرن اخیر؛ دانش متکی به ابزار؛ رشدی فوق العاده نموده، که در مقایسه با گذشته این حوزه (ابزار) خارق العاده می نماید، ولی با همه اینها؛ بشریت روز به روز گرفتارتر شده است، و هر چند چیزهایی را با ابزار آسان و سریع کرده؛ ولی گرفتاریهای فراوانی را در پی کاربرد آن وسیله سریع؛ ایجاد کرده است، که رفع عوارض آن انرژی و توان و سرمایه و عمر بشر را بیشتر از زمان نداشتن آن؛ استهلاک کرده است.

از این رو دانایان عالم؛ بر خلاف ذوق زدگان از ابزارهای مدرن (که همچون اسباب بازی به آن مشعوف و مشغولند) برایشان این نکته واضح شده است که: توسعه دانش متکی به ابزار؛ هر چند سرعتش افزایش یابد؛ و یا حجمش کاهش پیدا کند (ریزپردازی و نانوگری)؛ ولی آخر الامر؛ باز لنک و بیچاره ابزار بوده؛ و هر چند در ظاهر امور بیشتر و سریعتر به چیزهایی دست پیدا کرده؛ ولی در مجموع و پایان کار از نظر سود باقیمانده

برای او و ذخیرهٔ توان و فراغت خود عقب است، فقط یک ظاهر گول زننده و دلخوش کننده برای (ساده اندیشان) دارد، لذا در صدد مراجعه به منابع قدیم دانش غیر متکی به ابزار (ارتباط با ابزار تقریباً نمادین است) و اکشاف بیشتر اصول و قوانین آن و توسعهٔ تحقیقات آن برآمده اند، و فهمیده اند که علم حقیقی در این سمت و سواست، و ابتداءً یافته اند که قوانین و فرمولهای پیچیده و متعدد؛ و نیز آنچه که بیشتر بر ابزار اتکا دارد، در حقیقت نقطهٔ انحراف از مسیر علم حقیقی است.

اگر چه همانطور که در کلام مقدس آمده است: **وما اوتیتم من العلم الا قليلا** (آنچه از دانش به شما رسیده است بسیار کم است) بهرهٔ بشر نیز امروز از دانش حقیقی بسیار کم است، ولی همین که به این نقطهٔ تشخیص انحراف رسیده؛ که مسیرش را تصحیح کند، و سمت حقیقی علم نیز برای او مطرح شده است، خودش جای بسی امیدواری است، آرزومندیم که خداوند متعال هر چه سریعتر فرج صاحب عالم **علیه السلام** را برساند، که با ظهور او دانش بشری (که تا وقت ظهور تنها دو حرفش آشکار شده است) کامل شده و به برکت ظهور جهانی او؛ ۷۲ حرف (تمام اجزا) علم آشکار بشود. آمین رب العالمین.

روش علمای قدیم (آموخته از تعالیم مکتب وحی)

(۲) - روش علمای قدیم (برگرفته از روش انبیا و اوصیای الهی علیهم السلام) در بیان علوم و تبیین امور دقیقه؛ به ضعفها و ناتوانیهای تشخیصی پرسشگران کمتر پرداخته؛ بلکه سعی می کردند از زاویه نگاه آنها؛ و با ملاحظه توان برداشت ایشان؛ مطالب دقیقه را طوری بیان کنند که: نتایج صحیح از آن بدست بیاید، و نیز ضعف و کاستی بینش افراد مانع رسیدن به نتایج صحیح نباشد.

مثلا: اگر افراد زمانشان حرکت خورشید و ماه را از منظر حسّ و رؤیت بصری درک می کردند، ولذا خورشید را می دیدند که به دور زمین می گردد، با اینکه واقعیت آن چیز دیگری بود، با توجه به کشش مخاطب به این حرف مشغول نمی شدند که: نه! خورشید نیست که به دور زمین می گردد، بلکه این زمین است که به دور خورشید می گردد! چون مخالف حسّ و احساس آنها بود، و از طرفی تصور غیر دقیقشان در مقام استفاده از نتیجه و کاربرد در زندگی روزمره دخالتی نداشت، لذا از زاویه دید و درک عامّه ناس؛ امور دقیقه را بطوری مطرح می کردند که به نتیجه صحیح رسیده؛ و

نیازهای مربوط به آنرا برطرف نمایند، و این مهمترین هنرشان بود، چونکه



برای کسی توان
فکریش آنقدر
ترقی پیدا کرده
که در گرو
حسّ نباشد؛ و
واقعیات امور
را بیرون از قید
حواسّ ظاهری
بتواند درک
کند؛ بیان
موضوع برای
چنین کسی
بسیار آسان
است بلکه نوعا
توضیح خیلی
نیازی ندارد.

رفع خلط و استباه بین نجوم و تنجیم

(۳) - در مطلب مورد سؤال شما؛ دو موضوع با هم مخلوط شده است؛ که این موجب تعجب یا ابهام گردیده است: یکی حوزه مباحث علم نجوم (آسترونومی)، و دیگری حوزه مباحث علم تنجیم (آسترولوژی). علم نجوم به شناختن فلک و اجرام آسمانی و کهکشانها و کواکب و سیارات و منظومه شمسی و حرکت آنها، و امور مربوط به آن می پردازد، ولی علم تنجیم علمی بسیار فراتر از حوزه علم نجوم بوده، و از ریشه و موضوع با آن متفاوت است، موضوع علم نجوم از موضوع علم تنجیم بسیار مهمتر و بالاتر می باشد.

تنها اشتراک میان این دو علم این است که: کل نتایج موضوع علم نجوم به عنوان ابزار و وسیله ای برای دریافت علم تنجیم بکار می رود، این ارتباط و اشتراک کاربرد عناوین؛ موجب توهم خلط میان این دو علم شده است. مثال: همه در پرتو علم نجوم و از نتایج حاصله از آن به تشخیص موقع و زمان وقوع اعتدال ربیعی (آغاز بهار) رسیده اند. اما اینکه در فصل بهار چه اتفاقات کلی رخ می دهد؟ رفع برودت هوا؛ شکفتن درختها و غنچه

ها؛ بارش باران؛ وزیدن نسیم؛ انتقال گرده ها؛ و لقاح نباتات و تجدید حیات در نباتات و... این را از طریق علم نجوم بدست نمی آوریم، از نتایج آن استفاده می کنیم، از محاسبه زمان وقوع اعتدال ربیعی بهره می بریم، ولی از خود این محاسبه؛ این علم بدست نمی آید، این علم جداگانه و مستقل مطرح است، زمان وقوعش را از پنجره این محاسبات بدست می آوریم.

اگر شخصی بگوید معمولا با وقوع اعتدال ربیعی چنان اتفاقاتی (که فوقا ذکر شد) به وقوع می پیوندد، این شخص به نوعی علم تنجیم را بکار برده است. البته وقایعی از قبیل موارد مذکور؛ چون هر ساله در طول قرنهای بشر اتفاق افتاده و تکرار شده و در خاطر و حافظه عامه بشر است؛ دیگر برای بشر بدیهی شده و کسی این پیشگویی را انکار نمی کند. همچنان که علم امروزی ابزاری؛ با استفاده از رصدهای ماهواره ای و ایستگاههای هواشناسی مرتبا پیش بینی وضع هوا را می نماید، هر چند که با همه این تفصیل؛ برخی از وقتها این پیش بینیها صحیح نیز نمی باشد، ولی کسی تا به حال این رشته و تجهیزات و ادارات و امکاناتش را زیر سؤال نبرده است.

بنا بر این؛ علم تنجیم از پنجره علم نجوم به عالم نگاه کرده، و اظهار نظر می نماید، ولی آنچه بیان می کند؛ منسوب به کواکب و ناشی از حرکات و وضعیت آنها نیست، آنکه این گمان برده و به خدای کواکب یا ستاره پرستی

موتهم و گرفتار شده؛ از نادانی و ناینایی اوست.

هر چند که در جای خودش نیز این مطلب واضح شده است که: طبق تقدیر حضرت آفریدگار عزیز علیم حکیم؛ برای همه مخلوقات خواص و تأثیر و تأثرهایی قرار داده شده؛ و هر یک از کاینات می تواند مجرای اراده حق تعالی بوده و موجب فعل و انفعالاتی در عالم بشود.

در واقع با علم تجسیم؛ وقایع و تغییرات پیش آمده در عالم را حدس می زنند، همچنانکه پدری نزدیک ظهر به ساعتش نگاه می کند و می گوید: الآن باید بروم فرزندم را از مدرسه بیاورم، چون ساعت ۱۲ است و هنگام فراغت و رخصت آنهاست، او از عقربه ساعت این واقعه را استخراج نمی کند، و عقربه ساعت دخالتی در واقعه رخصت و فراغت فرزند او ندارد، بلکه او به وسیله این ساعت و با نگاه به آن؛ واقعه فراغت و رخصت فرزندش را پیش بینی می کند، که البته گاهی وقتها نیز ممکن است این پیش بینی دقیق هم نبوده، و فرزندش زودتر یا دیرتر فارغ شده باشد.



علمی بودن پیش بینی اجمالی حوادث و وقایع عالم

(۴) - توقع و پیش بینی اجمال حوادث و وقایع عالم؛ امری نامعقول و غیر علمی نبوده، بلکه امری تجربه شده است، چه در بعض امور ساده برای عامه بشر و چه در برخی از امور پیچیده برای دانایان بشر، و این دانش مقتضای نهایت دقت انتظام و غایت ترتیب عالم بوده؛ که از پرتو قدرت و حکمت حضرت آفریدگار است، چه اینکه تدبیر حق تعالی در تکوین خلایق چنین بوده که: هر مخلوقی را استعدادات و قدرتهای فعلیه ای بخشیده؛ و هر واقعه و حادثه ای را مرهون فقدان موانع و وجدان اقتضاءات و تجمع شرایط برای آن واقعه مقرر فرموده است.

برای وضوح امر مثالی در امور ساده؛ که تشخیص آن برای همگان آسان باشد؛ ذکر می کنیم: اگر خداوند تبارک و تعالی موجودی مانند "آب" را خصوصیت رطوبت، و قدرت مرطوب نمودن عطا فرموده است، برای بقای خصوصیت خودش و یا امکان مرطوب کردن دیگری؛ همچنین: نبود موانع و وجود شرایطی را نیز مقرر نموده است، از جمله اینکه شیء دیگر قابلیت جذب رطوبت داشته باشد، مانند شیشه یا پلاستیک نباشد، بلکه مانند خاک یا چوب باشد، مانعی هم برای رسیدن رطوبت یا تأثیر آن در خاک

نباشد، همچنین هوای فضای این واقعه نیز چنان گرم نباشد؛ که قبل از مرطوب نمودن خاک؛ آب بخشکد، همه این شرایط و اسباب و قوانین را حضرت آفریدگار مقرر نموده است، پس اگر شخصی با اطلاع از موقعیتی تشخیص دهد که: با توجه به اینکه فلان شیء مانع وصول رطوبت آب است؛ یا حرارت در آن وقت آن چنان زیاد است که مرطوب شدن امکان ندارد، و بالتیجه: در فلان موقعیت با وجود اتصال بین آب و خاک؛ ولی خاک مرطوب نمی شود؛ این شخص گزافه گوئی باشد.

اگر کسی بگوید که فقط در حدّ این امور ساده و بدیهی می شود پیش گویی



کرد نه بیشتر، این قول فاسدی است، و اشکالات متعددی در آنست از جمله آنها:

اشکال اول: اینکه حدّ صحیح آن کدام است؟ این مرز را چه کسی تعیین می کند؟ اگر مرز آن تجربه مکرر و صحت نتایج است که دانش تنجیم فعلی علیرغم ضعفها و مشکلاتش ماند سایر علوم؛ ولی میلیونها تجربه عیانی را بر صحت دانش خود ارائه می دهد.

اشکال دوم: چرا هر روز با افزایش بیشتر دانش عمومی بشری؛ تشخیص عامه بشر در باره اشیاء بیشتر شده؟ و اظهار نظر و پیش بینی بشر بیشتر و دقیقتر گردیده است؟ همین افزایش روز بروز محدوده اظهار نظر بشر؛ و دقیقتر شدن روز افزون آن؛ علامت این است که محدوده خاصی برای این گونه اظهار نظرها وجود نداشته؛ و تنها محدودیتش میزان عجز بشر در اطلاع بر حقایق مخلوقات و قوانین حاکم گردیده از سوی حضرت آفریدگار در آفرینش است، این عجز و ناتوانی و نادانی علمی است؛ که مانع از تشخیص بیشتر و بهتر است.

اشکال سوم: یعنی که قدرت حق تعالی در آفرینش مخلوقات و مقرر فرمودن قوانین الهی در عالم تکوین؛ محدود به امور ساده و پیش پا افتاده ای در حدّ ادراک عامه بشری است، که این مطلب چیزی نیست مگر: بیگانه بودن از

معرفت الهی و نایبایی در مطالعه آیات الهی و انکار حکمت تامه حضرت آفریدگار، (سبحانه و تعالی عما یشرکون، و تعالی الله عن ذلک علواً کبیراً، بل له الخلق والأمر، وهو الذی اتقن صنع کل شیء، وهو الذی خلقکم وما تعملون، والیه یرجع الأمر کلّه، وهو العلیم القدیر العزیز الحکیم العلیّ العظیم).

بنابر این هر چه آگاهی بشر در معرفت حقایق اشیا؛ و قوانین الهیه مقرر در تکوین و خلقت جهان؛ بیشتر شود؛ میزان تشخیص او در امور؛ بیشتر و بهتر خواهد شد، این جهان آفرینش؛ آنچنان دقیق آفریده شده است که حدّ و توصیف ندارد، ولی برای فهم موضوع توسط بشر عادی این مثال را می‌زنم که: دقت و انتظام مقرر شده از سوی خداوند قادر متعال در این جهان آفرینش؛ کمتر از ترکیب و کار دقیق یک ساعت چرخ دندانه ای مخلوق بشر نیست، اگر با اطلاع به اندازه ها و تعداد چرخ دندانه ها و مقدار دندانه ها و نحوه حرکت آنها می‌شود پیش بینی کرد که: یک ساعت بعد از ساعت یازده؛ ساعت دوازده می‌باشد، همچنین در صورت رسیدن به مرتبه معرفت لازم (اللهم ارنی الأشیاء کما هی)؛ نیز می‌توان بر وقوع امور و کیفیات اشیا مطلع گردید.

و این نکته معلوم باشد که اگر علل و شرایط لازمه در وقوع امور جزئیه (مانند مرطوب نمودن آب اشیا دیگر) و تمامیت و حتمیت نتایج آن؛ ممکن

است تا کنون بر بشر مکشوف شده باشد، ولی بسیاری از شرایط و لوازم در وقوع و تمامیت دیگر امور هنوز بر بشر مکشوف نشده است، همچنانکه بسیاری از امور مهمه؛ همچون تحصیل نتایج عظیمه با اسباب سیره و در مهلت قصیره؛ بر خلاف روال معمول آن (که یا عملی نیست و یا زمان و توان فوق طاقت و عادت می برد) هنوز بر عامه بشر مستور است، و اطلاع از این رموز و خفایا از جمله معرفت تفصیلی به هنگامهای فلکی و خواص آن؛ همه و همه از این رشته علوم هستند.

البته پر واضح است که تمامت این علم (معرفت به حوادث و وقایع)؛ به حق و حقیقت آن؛ نزد خدای تعالی است، فلا يعلم الغیب الا هو، و لکن به قدر مصلحت و عنایت؛ در پرتو برگزیدگان آفریدگار و برترینهای جهان آفرینش؛ عامه بشر نیز امکان بهره مندی از این علم را دارند، موضوع مطلب ما در اینجا این است که بیان کنیم: اصل این علم واقعی بوده؛ و طبق قوانین مقررۀ الهیه است، و اینکه چگونه امکان تحقق آن وجود دارد؟ حالا کجا؟ و نزد چه کسی؟ و چقدر؟ و چطور؟ و چه وقت؟ آنها مطالب دیگری است که مربوط به خصوصیات و جزئیات موضوع است، ما در اینجا تنها در مقام بیان توضیح اصل موضوع و اثبات حقیقت آن هستیم.

علم توقعات تجیمی و احکام نجومی

(۵) - پیش بینی های حاصله از علم تنجیم را در اصطلاح این علم: **توقعات** و **احکام** می نامند. اطلاع از وقایع عالم و پیش بینی آن (بنابر آخرین تحقیقات علمی بشر) ناممکن نبوده؛ ولی نیاز به سرعتی بیشتر از سرعت نور دارد؛ تا شخص احاطه بر این عالم و وقایع آن پیدا نماید، ولذاست که آنچه امروزه از قواعد علم تنجیم کارآ و نتیجه بخش است؛ همه قطره هایی است از دریای میراث انبیاء و اوصیای الهی (علیهم السلام)، که همه ایشان فوق بشر و محیط بر عالم و صاحبان قدرتهای الهی هستند، و آنچه آورده اند و گزارش نموده اند؛ همه از وحی حضرت آفریدگار است، و گروه ایشانند که احاطه به این علوم مخفیه داشته و دارند.



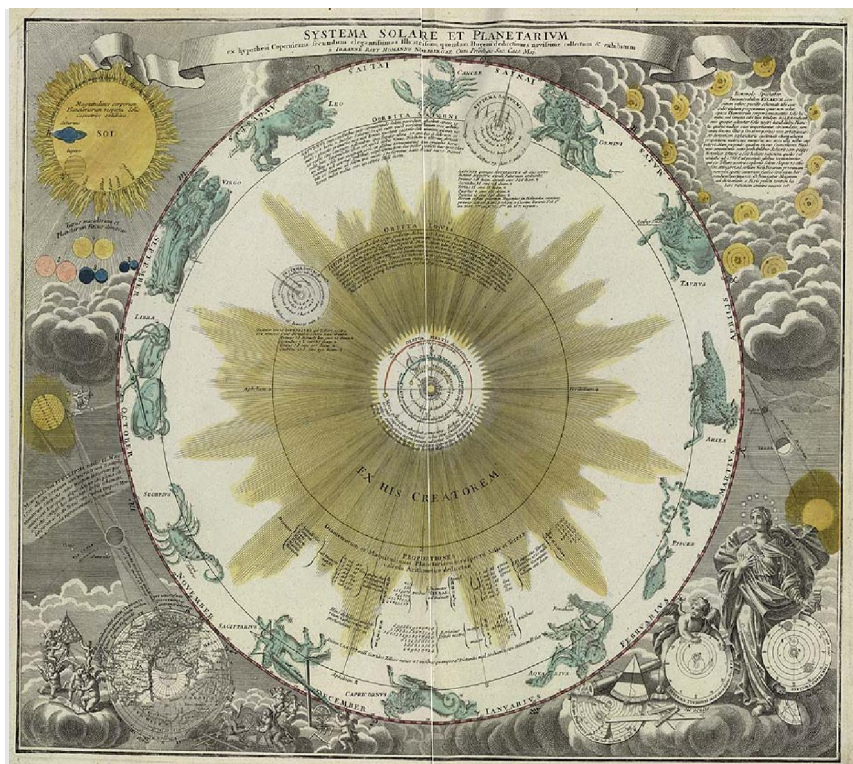
تفاوت میان تنجیم اصلی و کهن و تنجیم فعلی

(۶) البته علم تنجیم فعلی؛ یک نوع تلاش علمی برای دستیابی به برخی از مطالب علم اصلی تنجیم بوده؛ و تفاوت تنجیم فعلی و تنجیم اصلی بسیار است، گذشته از اینها باید بدانید که همان علم تنجیم اصلی نیز: برگرفته از علمی بالاتر در معرفت وقایع امور است؛ که در شرح شریف به نام علم: **بلایا و منایا** معروف بوده، و از طریق **جفر خاص اهل بیت (علیهم السلام)** نیز قابل دسترسی بوده است.

به خاطر همین محدودیت بسیار بهره بشر عادی؛ از قواعد و ضوابط این علم (تنجیم) است؛ که بالنتیجه در مقام استخراج حاصل دقیق و کامل؛ و دریافت صحیح وقایع؛ ناتوان است، هر چند با همه این احوال؛ ماهرین این رشته (به کمک تنجیم فعلی) مطالب بسیار جالبی را دست پیدا می کنند؛ که در مقام تطبیق با واقع؛ نیز درست درآمده؛ و در پیش بینی حوادث و وقایع؛ هنرشان از مراکز قدرتمند جهانی؛ (با آن همه ابزار و ماهواره و تجهیزات و هزینه های مرتب میلیاردی؛ که برای پیش بینی هوا و زلزله و سایر حوادث تلاش می کنند) بیشتر است.

کارآیی و واقعی بودن همین مقدار محدود موجود این علم (تنجیم فعلی)؛ آن

چنان بر زمامداران زمین؛ واضح شده است که در پنجاه سالهٔ اخیر؛ پس از نیم قرن انکار و استهزای این علم؛ لاجرم به نتیجه و فواید آن پی برده، بلکه قدرتهای بزرگ جهانی را بر آن داشته تا در کنار تمام تشکیلات نظامی و امنیتی و سیاسی و اقتصادی شان؛ مراکز مهم امنیتی خویش را به تشکیل بخشهای ویژه و بسیار سری؛ برای بکارگرفتن این علم؛ در جهت حفظ سلطه و توسعهٔ قدرت خود بگمارند .



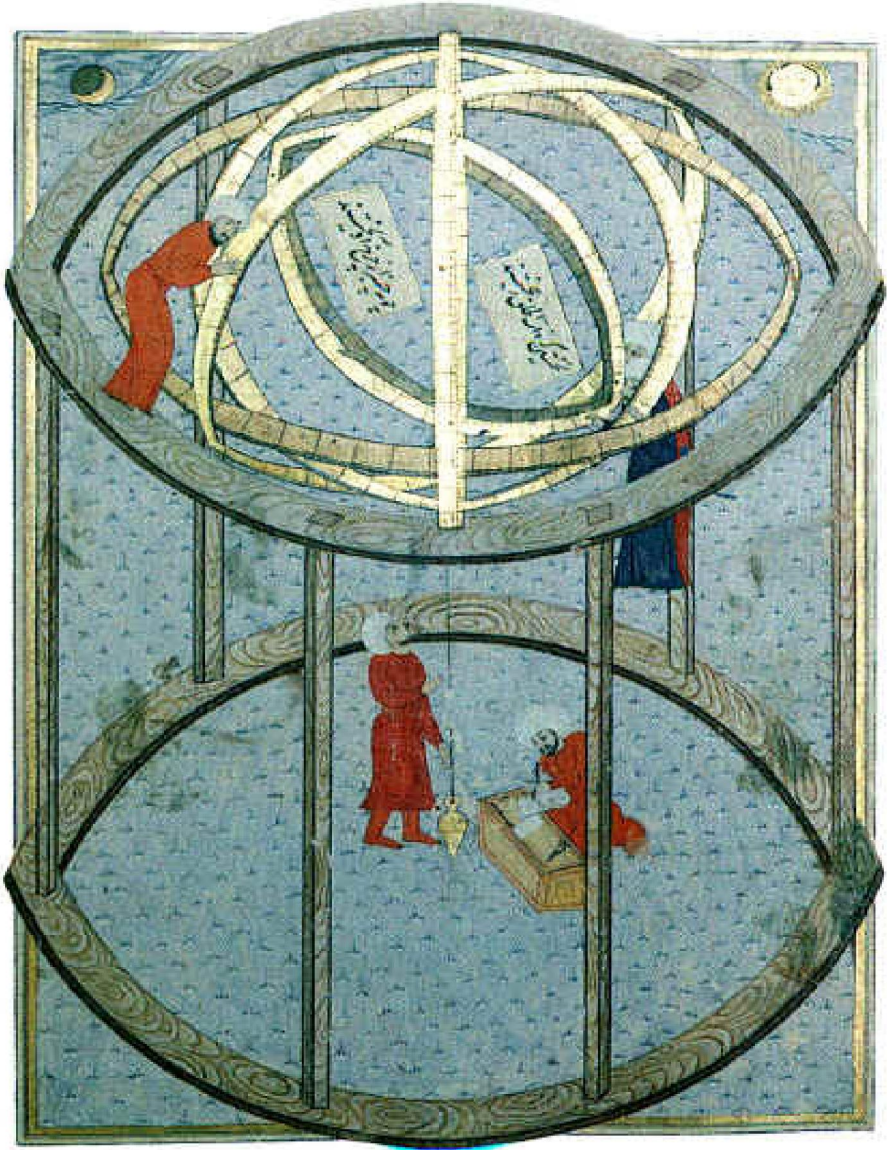
روش مافیای علمی جهانی در انحصار دانش برتر برای منافع سلطه استکباری

(۷)- البته دلیل اینکه قدرتمداران جهانی بطور ظاهر در منابع رسمی؛ علوم و مطالب غیر رایج را زیر سؤال می برند، بسیار معلوم است، وقتی که دستاورد شصت هفتاد سال قبل شان (انرژی اتمی) را با اینکه از طلیعه پیشرفتهای علمی قرن گذشته بوده است؛ و دانش آن نیز امروزه آن چنان مکشوف و معروف شده؛ که در بازار قاچاق نیز مبادله می شود، ولی امروزه اگر ملتی بخواهد مستقلا به آن دست پیدا کرده و آنرا داشته باشد؛ حاضرند جنگ اتمی راه بیاندازند؛ و مملکتها و ملت‌هایی را نابود کرده یا آسیب رسانند، (که البته در مقابل اراده الهی ناتوان و عاجزند).

با این وصف طبیعی است که موضوعات و رشته‌هایی که در نهانخانه‌های علمی ایشان پیگیری شده؛ و یا آن قدر مخفی است که هنوز بشر نامش را (جز معدودی) نشنیده است، این چنین مقولات را از اقبال دیگران به آن مانع شده و مانع از توجه و دسترسی به آن بشوند، در حالیکه برخی از این علوم (که در میان بشر ناشناخته است) فاصله امتیازش از دانش اتمی بسیار بوده و بسی از آن ارزشمندتر است.

آسان‌ترین راه برای مافیای علمی جهانی جهت دور کردن عموم بشر از آن

دانشهای ناشناخته؛ و حفظ انحصار تحقیق آن برای خودشان؛ ابتداءً انکار اصل وجود این گونه علوم؛ و زیر سؤال بردن خواص و آثار آنست.



رواج تطلب بخاطر عدم فرصت برای شگوفایی و رقابت علمی

(۸) - رواج بازار تقلب در این رشته (علم تنجیم)؛ و ادعای افراد بی اطلاع و میدان دار شدن اشخاص سوداگر؛ ناشی از عقیده به این علم نبوده، و دلیل بر عدم صحت اصل این علم و یا غیر واقعی بودن این علم نمی باشد، بلکه این عوارض ناشی از برخورد جاهلانه با این موضوع بسیار دقیق علمی؛ و انکار اصل صحیح آن؛ و خرافه پنداشتن کل این علم است.

این روش غلط برخورد با این موضوع بوده است که: موجب رواج مخفی این رشته در غیر مجامع علمی شده؛ و وسیله سوء استفاده سوداگران می شود، تنها راه منع این مشکلات؛ ارتقای فکری و فرهنگی مردم؛ راجع به این موضوع؛ و باز بودن میدان پژوهش علمی این رشته بوده؛ تا با عرضه صحیح؛ جنس بدلی از اصلی تمیز داده شود. چه اینکه مورد بحث واقع شدن و تحقیق و پژوهش و رویکرد مثبت به این علم؛ موجب پیراسته شدن حوزه آن از امور غیر معتبر؛ و دستیابی بیشتر به قوانین و قواعد آن می گردد.

دست آوردهای صنعت ابزار و ارتباطات؛ که امروز در اختیار بشر است؛ نیز بخوبی می تواند گرد آوری منابع معتبر؛ و تصحیح و تکمیل آن با

یکدیگر را؛ میسر نموده، و ملاحظه قواعد عدیده و محاسبات پیچیده آنرا آسان کند. همچنانکه در گذشته برای استخراج یک طالع؛ و انجام محاسبات مربوط به آن؛ نیاز به افراد مطلع و حاذق بود؛ و تنها با صرف ساعات و محاسبات بسیار این مطلب عملی و محقق می شد، ولی با اهتمام برخی دانشمندان امروزی؛ و بکارگرفتن دانش برنامه نویسی؛ و تجهیزات رایانه ای موجود؛ انجام آن برای هر فردی در کمتر از یک دقیقه میسر است.



رفع اشتباه در برداشت از اصطلاحات دانش تنجیم کهن

(۹) - بنا بر آنچه گذشت: اگرچه بخاطر انس ذهن عامه و آشنایی ایشان؛ این تعبیر متداول شده است که: خورشید یا ماه یا سایر کواکب در این بروج یا منازل سیر می کنند، ولی این سیر به معنی اصطلاحی علم نجوم نبوده، که: یعنی این بروج مدار و محل جریان و حرکت کواکب باشند! بلکه بر اساس موضع ناظر زمینی، منظر آسمان را از پنجره این بروج و منازل تقسیم بندی کرده اند، و حرکت فلک یا کواکب (خورشید و ماه و ستارگان) را در فلک به نسبت این پنجره (بروج و منازل) تقدیر و محاسبه نموده اند، و برای اشاره به مواقت و هنگامهای فلکی از این تعابیر استفاده کرده اند؛ که مطابق حسّ و قابل احساس برای هر ناظر مطلع زمینی است. و از نگاه شخص زمینی؛ هر جا که بایستد؛ خودش را در وسط دایره ای می بیند؛ که گرداگردش را زمین فراگرفته؛ و از بالا و پائین آسمان را همچون کره و دایره ای بر گرداگرد خود محیط دیده؛ و فلک را در آن در حال چرخش می بیند. و علم تنجیم همچنانکه با وقوع اعتدال ربیعی خبر از بهار و شکوفه زدن درختان و رستن گیاهان و غیر آن می دهد؛ با ملاحظه کواکب دیگر و مواضع و دقائق آنها؛ برخی از امور متناسب با آن را پیش بینی و احتمال

وقوع می دهد .

دانشمندان قدیم به تعلیم انبیاء و اوصیای الهی (علیهم السلام)؛ برای تشخیص موافقت و زمانهای فلکی؛ این دایرهٔ فلک را به دوازده قسمت تقسیم نموده اند؛ که در حقیقت تقسیم بندی منظر آسمانی از پنجرهٔ بروج است، و اینها دوازده برج می باشند، که نامهایشان چنین است:

۱- حمل، ۲- ثور، ۳- جوزا، ۴- سرطان، ۵- اسد، ۶- سنبله، ۷- میزان، ۸- عقرب، ۹- قوس، ۱۰- جدی، ۱۱- دلو، ۱۲- حوت.



این بروج که در منظر آسمانی از صور فلکی بوده و هر کدام مجموعه ای از ستارگان را تشکیل می دهند، و در علم نجوم تفصیل نام و مشخصات آنها بیان شده است. هر چند تعداد صور فلکی بیش از این دوازده صورت است، ولی علت مطرح نبودن آن، در مسیر حرکت خورشید نبودن آنهاست. مداری که در آن این بروج واقعند، به منطقه البروج (کمر بند برجاها) معروف است.

ستارگان واقعه در منطقه البروج را با تقسیم بندی کوچکتر به نام منازل نام گذارده اند، که هر برج حاوی دو سه منزل می گردد.

تقسیم بندی منظر فلکی از پنجره منازل: ۲۸ بوده و نامهایشان چنین است:

- ۱- شرطان ۲- بطین، ۳- ثریا، ۴- دبران، ۵- هقعة، ۶- هنعة، ۷- ذراع،
- ۸- نثرة، ۹- طرفة، ۱۰- جبهة، ۱۱- زبرة، ۱۲- صرفة، ۱۳- عواء، ۱۴-
- سماك، ۱۵- غفر، ۱۶- زبانی، ۱۷- اکلیل، ۱۸- قلب، ۱۹- شولة، ۲۰-
- نعائم، ۲۱- بلدة، ۲۲- سعد ذابح، ۲۳- سعد بلع، ۲۴- سعد السعود،
- ۲۵- سعد الأخبية، ۲۶- فرغ اول، ۲۷- فرغ ثانی ۲۸- بطن الحوت.

* اشتمال صورتهای فلکی بروج بر منازل چنین است:

برج حمل مشتمل بر منازل: شرطین + بطین + یک سوم از ثریا

برج تور مشتمل بر منازل: دو سوم تریا + دبران + دو سوم هقعه

برج جوزا مشتمل بر منازل: یک سوم هقعه + هنعه + ذراع

برج سرطان مشتمل بر منازل: تتره + طرفه + یک سوم جبهه

برج اسد مشتمل بر منازل: دو سوم جبهه + زبره + دو سوم صرفه

برج سنبله مشتمل بر منازل: یک سوم صرفه + عواء + سماک

برج میزان مشتمل بر منازل: غفر + زبانا + یک سوم اکلیل

برج عقرب مشتمل بر منازل: دو سوم اکلیل + قلب + دو سوم شوله

برج قوس مشتمل بر منازل: یک سوم شوله + نعایم + بلده

برج جدی مشتمل بر منازل: سعد ذابح + سعد بلع + یک سوم سعد السعود

برج دلو مشتمل بر منازل: دو سوم سعد السعود + سعد اخبیه + دو سوم فرغ

اول

برج حوت مشتمل بر منازل: یک سوم فرغ اول + فرغ دوم + بطن الحوت

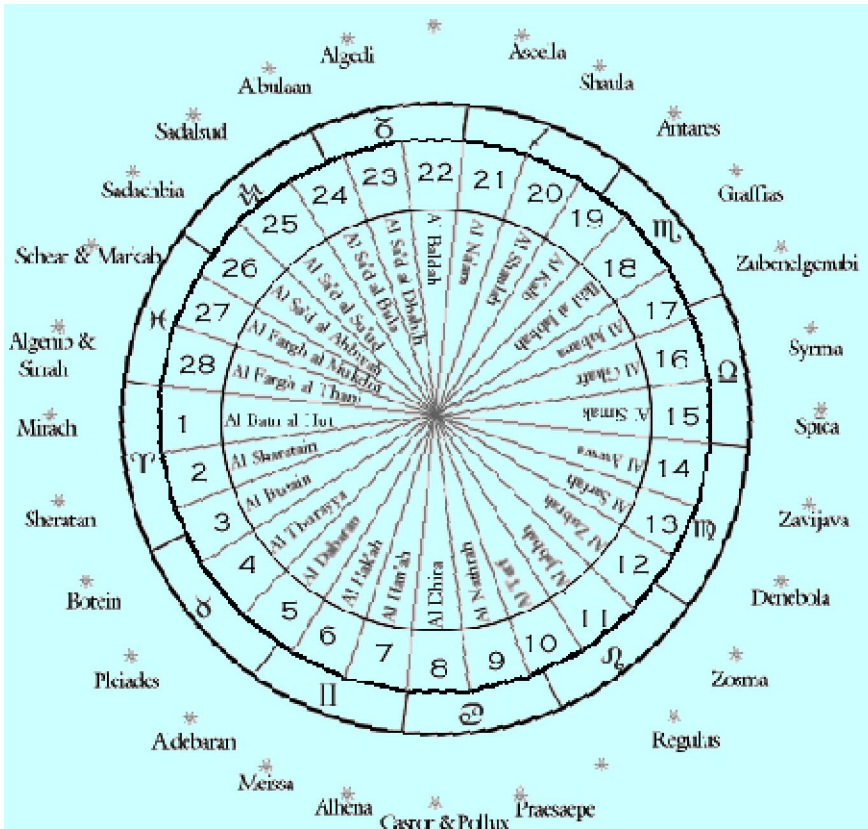
حرکت خورشید در تمام بروج و تمام منازل، یکسال به طول می کشد، و قمر تمامی بروج و منازل را در هر ماه یکبار طی می کند .

* شایان ذکر است که این منازل ۲۸ گانه هر چند در نزد اقوام غیر عرب،

به منازل عربی معروفند، ولی اعراب بادیه نشین اصطلاح دیگری نیز برای

منازل دارند که جز این منازل است، و آنها ۱۲ منزل هستند: ذراعین، تریا ،

تویج، جوزا، مرزم، گلپین، سهیل، وسمی، مربعانیه، شبط، عقارب، حمیمین.
 تعداد ایام هر یک متفاوت و از ۱۳ روز تا ۵۳ روز مختلفند، و این منازل
 فقط در نزد صحرائشینان و کشاورزان و دریانوردان منطقه خلیج به عنوان
 تقویم متداول است، ولی در منابع اصلی نجوم و تنجیم مطرح نبوده، ولذا به
 آنها نمی پردازیم، این اشاره صرفا برای پرهیز از اشتباه با منازل ۲۸ گانه می
 باشد.



عدم انحصار علم اختیارات به قمر در عقرب

(۱۰) - بنا بر این برج عقرب یکی از بروج دوازده گانه بوده؛ و بدیهی است که هر کدام از این بروج؛ در شرایط متفاوت؛ نسبت به کواکب مختلف؛ احکام گوناگون داشته باشند.

همچنانکه توصیه های دینی و تعالیم وارده از شرع شریف؛ نیز منحصر به هنگام قمر در عقرب نبوده؛ و بر حسب کشش و ظرفیت مخاطب کلام معصوم علیه السلام؛ در موارد دیگری نیز تبیین شده است، لذا نباید تداول و رواج احکام مربوط به قمر در عقرب؛ و آشنایی همگانی با آن؛ به معنی انحصار موضوع در این وضعیت (که یکی از انواع بسیار وضعیتهای گوناگون فلکی است) تلقی شود، چه اینکه موارد دیگر نیز احکام خاص خود را دارد.

از موارد دیگر مورد اشاره در کلام مقدس (وحی و خازنان وحی علیهم السلام): موضوع منازل ۲۸ گانه فلکی و بروج و شهر در قرآن شریف؛ و نیز موارد بسیاری که در کلمات معصومین (علیهم السلام) در این زمینه آمده می باشد، که از آن جمله است: دهها صفحه از جلد ۵۵ کتاب شریف بحار الأنوار و سایر کتب اهل حق؛ که ناقل کلمات حضرات (علیهم السلام) در این

خصوص بوده، و همگی بر صحت اصل این علم؛ و ناتمامی بهره بشری از آن؛
گواهی دارد.



بهره برداری به قدر سیور از دانش تجسیم

(۱۱) - بدست آوردن این علم و تطبیق و ترتیب امور شخصی و اجتماعی بر اساس آن؛ فرض نبوده؛ چه به لحاظ در دسترس نبودن علم اصلی؛ و چه به خاطر پیچیدگی ملاحظه تمام قواعد در همه امور، ولی آنچه برای شخص؛ بطور مطمئن میسر شود، مراعاتش اشکالی ندارد، همچنانکه در سایر اطلاعات امروزی نیز انسان به قدر اطمینان و لزوم و میسور عمل می کند.

البته وقتی اطلاع بر امور اولیه ای همچون: ارتباط مستقیم بیداری بین الطلوعین و موفقیت‌های روزانه؛ از سوی تعالیم و حیانی تبیین و تأکید گردیده، و شناختن وقت و تطبیق آن نیز بسیار ساده بوده، ولی در التزام به آن؛ نوع مردم ضعیف و سست بوده؛ و به دنبال رخصت و اغماض آن هستند؛ دیگر چه جای جستجوی قواعد دقیقه و استخراج هنگامهای ظریفه؛ و تطبیق امور روزانه بر اساس آن؟!



میزان و نحوه کاربرد علم به وقایع و خفایای امور

(۱۲) این مقال را با اشاره به نکته ای بسیار دقیق در: میزان و نحوه کاربرد: علم اطلاع بر خفایای امور و وقایع آتیه؛ خاتمه می دهیم:

هر چند عقل بشر عادی؛ اقتضا می کند که: هر چه بیشتر از این امور خفیه مطلع شود؛ آنرا بیشتر بکار بندد، تا بیشتر و بهتر به خواسته هایش برسد، ولی در نزد اهل معرفت؛ مطلب دقیقتر از این نگرش ساده است.

شخص عارف بنا بر آنچه گذشت، و اینکه: تنها حق تعالی است که: به تمام معنا حقایق امور را احاطه دارد، لذا تقدیر الله عزیز علیم؛ و اختیار حقّ علیّ حکیم را؛ بر اختیار و رغبت خودش (که آفریده ای محدود است) ترجیح داده، و ضمن انجام وظیفه به مقتضای عادی؛ و داشتن رغبتی در نتیجه امری (ولو قطعاً صحیح)؛ با همه آنها: پسندد آنچه را جانان پسندد، و به حق تعالی سوء ظنّ نداشته و پیشامدها را انکار نکرده، و از خداوند راضی و بر اختیار او خشنود است.

حتی اگر خداوند او را از این علوم حقیقیه بهره مند نموده باشد؛ اینطور نیست که با اطلاع از آنها؛ دخالت بیشتر نماید، و لو تشخیص و مقصودش صحیح باشد، بلکه تسلیم محض حق است، که در قرآن مجید در

توصیفشان آمده است: **بل عباد مکرمون لایسبقونه بالقول و هم بأمره یعملون**، اگر حضرات ایشان در جایی و موردی نیز از علم ویژه و اخبار نهانی و پشت پرده کمک گرفته و آنرا بکار برده اند؛ این بکارگیری نیز به اشاره حق متعال بوده است، که ایشان فانی در ارادهٔ حق باقی بوده؛ و از خود اختیاری ندارند، و هیچ قابل مقایسه با بشر عادی نیستند که: اگر کاری نکرده؛ ناشی از نادانی و ناتوانی شان بوده است، و این است کمال مرتبهٔ آدمیت و مقام جمع الجمع که منتهای رغبت عارفان آگاه؛ و غایت مقصد سایرین طریق الله بالله و مع الله است.



پژوهشگرده ها و آموزشگرده های بنیاد حیات اعلیٰ

علوم معرفت الهی - علوم زبان وحی - علوم کلام وحی

علوم تلاوت کلام وحی - علوم کلام خازنان وحی - علوم فقه آئین الهی

علوم تقویم نجوم تنجیم - علوم طب جامع - علوم پاکزستی

آموزش برتر (اعلیٰ) - علوم برتر (اعلیٰ) - علوم توانمندی بانسروی الهی

علوم عمارت برتر - علوم انساب و تبارشناسی - رسانه های حیات اعلیٰ

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

دار المعارف الإلهیة

۱۴۲۷

www.Aelaa.net

tanjim@aelaa.net

nojum@aelaa.net

taqwim@aelaa.net

والحمد لله رب العالمین